

جهان‌شهر

<div><div>📅</div><div><div>شنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۳</div></div></div>
<div><div>📄</div><div><div>شماره ۴۲۹۷</div></div></div>
<div><div>📄</div><div><div>شماره ۴۲۹۷</div></div></div>
<div><div>📄</div><div><div>FARHIKHTEGANDAILY.COM</div></div></div>
<div><div>📄</div><div><div>FARHIKHTEGANONLINE</div></div></div>

جایگاه جهانی در شهر

به‌طور کلی، هر چه جایگاه جهانی در شهر بالاتر باشد، به‌طور مستقیم به‌طور قابل‌توجهی رفاه و کیفیت زندگی، به‌ویژه در حوزه‌های سلامت، آموزش، اشتغال، خدمات شهری، کیفیت محیط‌زیست، فضای سبز، فضای عمومی و محله‌های شهری، افزایش می‌یابد. همچنین، به‌طور کلی، هر چه جایگاه جهانی در شهر بالاتر باشد، به‌طور مستقیم به‌طور قابل‌توجهی تعداد جمعیت، به‌ویژه در حوزه‌های سلامت، آموزش، اشتغال، خدمات شهری، کیفیت محیط‌زیست، فضای سبز، فضای عمومی و محله‌های شهری، افزایش می‌یابد.

جایگاه جهانی در شهر در صورتی که به‌طور کلی به‌طور قابل‌توجهی رفاه و کیفیت زندگی، به‌ویژه در حوزه‌های سلامت، آموزش، اشتغال، خدمات شهری، کیفیت محیط‌زیست، فضای سبز، فضای عمومی و محله‌های شهری، افزایش می‌یابد، می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی رفاه و کیفیت زندگی، به‌ویژه در حوزه‌های سلامت، آموزش، اشتغال، خدمات شهری، کیفیت محیط‌زیست، فضای سبز، فضای عمومی و محله‌های شهری، افزایش دهد. همچنین، به‌طور کلی، هر چه جایگاه جهانی در شهر بالاتر باشد، به‌طور مستقیم به‌طور قابل‌توجهی تعداد جمعیت، به‌ویژه در حوزه‌های سلامت، آموزش، اشتغال، خدمات شهری، کیفیت محیط‌زیست، فضای سبز، فضای عمومی و محله‌های شهری، افزایش می‌یابد.

به‌طور کلی، هر چه جایگاه جهانی در شهر بالاتر باشد، به‌طور مستقیم به‌طور قابل‌توجهی رفاه و کیفیت زندگی، به‌ویژه در حوزه‌های سلامت، آموزش، اشتغال، خدمات شهری، کیفیت محیط‌زیست، فضای سبز، فضای عمومی و محله‌های شهری، افزایش می‌یابد. همچنین، به‌طور کلی، هر چه جایگاه جهانی در شهر بالاتر باشد، به‌طور مستقیم به‌طور قابل‌توجهی تعداد جمعیت، به‌ویژه در حوزه‌های سلامت، آموزش، اشتغال، خدمات شهری، کیفیت محیط‌زیست، فضای سبز، فضای عمومی و محله‌های شهری، افزایش می‌یابد.

به‌طور کلی، هر چه جایگاه جهانی در شهر بالاتر باشد، به‌طور مستقیم به‌طور قابل‌توجهی رفاه و کیفیت زندگی، به‌ویژه در حوزه‌های سلامت، آموزش، اشتغال، خدمات شهری، کیفیت محیط‌زیست، فضای سبز، فضای عمومی و محله‌های شهری، افزایش می‌یابد. همچنین، به‌طور کلی، هر چه جایگاه جهانی در شهر بالاتر باشد، به‌طور مستقیم به‌طور قابل‌توجهی تعداد جمعیت، به‌ویژه در حوزه‌های سلامت، آموزش، اشتغال، خدمات شهری، کیفیت محیط‌زیست، فضای سبز، فضای عمومی و محله‌های شهری، افزایش می‌یابد.

چه عواملی سوریه را به اینجا رساندند؟ راهکارها کدامند؟

سیاه و سفید حکمرانی دمشق



سیدمهدی طالبی پژوهشگر حوزه بین‌الملل

وقتی شهر حلب که در تمام بحران سوریه به‌طور کامل سقوط نکرده بود، سقوط کرد و مسیرهای پشتیبانی از آن نیز به تصرف تروریست‌ها درآمد، می‌شد حدس زد تروریست‌ها و حامیانشان حتی اگر تنها تسلط بر این شهر را هدف‌گذاری کرده بودند، با مشاهده این سقوط فوری طمع کرده‌به‌سراغ دیگر مناطق خواهند رفت. دومین مقصد و شهرشهر عمده حماه بود؛ شهری که آن نیز در تمام بحران مشهور سوریه هیچ‌گاه سقوط نکرد اما به فاصله چند روز پس از تصرف حلب، به دست تروریست‌ها افتاد. در زمان نگارش این مطلب تروریست‌ها به حصص نفوذ کرده‌اند، اما سرعت بالای فرط‌پاشی دولت سوریه این احتمال را کاهش می‌کند که احتمال دارد در زمان انتشار مطلب، حصص از دست رفته باشد.

با سقوط شهر حمص، عملاً استان پهناور حمص به‌عنوان بزرگ‌ترین جغرافیایی اداری در سوریه از دست خواهد رفت. بخش‌های شرقی این استان، بخش عمده صحرای «بادیه‌الاشام» هستند. این منطقه تا حد زیادی در دستان محور مقاومت بوده و از مسیر مرز بوکمال، عراق به سوریه متصل می‌شود. اگر حصص سقوط کند، عملاً مسیر زمینی محور مقاومت به شامات مسدود خواهد شد. هم‌زمان با نفوذ تروریست‌ها به حمص، ارتش سوریه مواضع خود در استان دیرالزور را تخلیه و آن را به شبه نظامیان «قسد» که مورد حمایت آمریکا هستند، واگذار کرده است. در سویی دیگر رژیم‌صهیونیستی که گمان می‌رفت برای منته نشدن تروریست‌ها به همکاری با تل آویو، دست‌به‌آقامی نخواهد زد ضمن بمباران گذرگاه‌های مرزی سوریه و لبنان، لشکر ۲۱۰ خود را به جولان اعزام کرده و قصد دارد منطقه حائلی در استان قیصره ایجاد کند. تروریست‌ها در استان جنوبی سوریه نیز شوریده و با تصرف شهر‌ها به دنبال تهدید دمشق از سمت جنوب هستند. نیروهای دولتی با تخلیه مواضع خود می‌کشند با تمرکز قوا در دمشق این شهر را از سقوط نجات دهند. در این میان تنها جناح امن نه‌تنها سوریه، بلکه پایتخت این کشور، در سمت غرب و مرزها با لبنان است. این جناح هم امن است و هم محل حضور مقاومت لبنان، یکی از اصلی‌ترین و جدی‌ترین حامیان دولت سوریه. لبنانی‌ها اما گرفتاری‌های خاص خود را دارند و چند روزی می‌شسود که وارد یک آش‌پس، آن هم از نوع موقت با رژیم‌صهیونیستی شده‌اند؛ چه اینکه بر اساس آتش‌بس ارتش رژیم کماکان جنوب رود لبتانی را به‌طور کامل تخلیه نکرده است. به همین دلیل همچنان که ناظران نیم‌نگاهی به تصمیم مقاومت لبنان دارند، همه نگاه‌ها به ایران و عراق است. این دو کشور با توجه به تحولاتی که در دهه گذشته تجربه کردند، معنا و انتهای بحران در سوریه را به خوبی درک کرده‌اند. تهران و بغداد با وجود برخی مخالفت‌ها به‌ویژه در عراق، به سمت سرکوب تروریست‌ها در سوریه حرکت کرده و در صورت لزوم، قبل ویا هم‌زمان با سرکوب تروریست‌ها، دنباله‌های حمایتی این کشور‌ها را نیز مورد ضربه قرار خواهند داد.

عوامل تشدیدکننده بحران سوریه

بحران سوریه تقدیری طول کشیده که خود به دوره‌های بزرگ، مدت‌دار و متفاوت قابل تقسیم است. در این بخش به روندهای موجود در این بحران پرداخته شده که در دوره کنونی به تشدید اوضاع کمک کرده‌اند.

خورده شدن طبقه نظام حاکم

بحران سوریه به‌تدریج باعث خوردگی و از بین رفتن طبقه طرفدار نظام حاکم شد. اگر در بحران ۲۰۱۱ سوریه، اسلام‌گرایان رادیکال پرچم مخالفت با حکومت را بلند کردند و مسلکولارهای طبقه متوسط که طرفدار نظام حاکم بودند، از هراس آن‌ها بیش از پیش بسر حمایت خود از حکومت افزودند، به تدریج تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی این طبقه را فرسوده کرده‌تاآن‌ها مسیر بی تفاوتی در پیش گیرند. در بحران ۲۰۱۱، علوی‌ها به همراه طبقه سکولار اهل سنت طرفدار نظام سوریه بودند. این دو گروه جمعیت و نیرویی قابل ملاحظه را تشکیل می‌دادند، اما امروزه نه تنها اهل سنت سکولار بی تفاوت شده‌اند، بلکه طبقه متوسط علوی نیز دچار این بی تفاوتی شده است. نظام سوریه و متحدانش باید برای در مان این بی تفاوتی راهکارهایی بیاندیشند. نه علوی‌ها و نه اهل سنت سکولار خواهان زندگی زیرپرچم گروه‌های رادیکال نیستند. از سویی دیگر علاوه بر مباحث ایدئولوژیک مبتنی بر دین، مذهب و سبک زندگی، آن‌ها از منظر ملی‌گرایی نیز مخالف سیطره ترکیه‌اند. دمشق می‌تواند با اتکا بر چنین مسائلی، طرفداران خود را بازیابی و احیا کند.

ضربه‌ای که بسیج مردمی خورد

جنگی که به بهانه تحولات بهار عربی علیه سسوریه به راه افتاد، باعث شد تا استمدادهایی در این کشور کشف و شکوفا شوند. شکل‌گیری بسیج مردمی در قالب «قوات دفاع وطنی» یکی از این ثمرات بود. در ادامه اما متولیان امور به جای تقویت این نیرو، همان سیاست‌های ارتش و حزب بعث را بر آن حاکم کردند تا ظرفیت‌های سازمانی و استعدادهای فردی این نیرو و منجمد شوند.

بی‌مهری و فشار ناعادلتی باعث شد برخی از این استمدادها به مخالفان پیوندند. اگر بسیج مردمی در سوریه همانگونه که تشکیل شد، مسیر رشد خود را می‌پیمود، وضعیت این کشور به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. دست‌هایی این نیرو را به روخت دچار کردند. هنوز زمان برای شکل‌دهی و تقویت به تحرکات مردمی وجود دارد اما این‌بار باید مسیر رشد آن‌ها تضمین شود.

فرسایش مفهوم ملیت و سوری بودن

مفهوم ملیت و حکومت ملی در سوریه به دلیل ایجاد ساختارهای جزیره‌ای در این کشور دچار فرسایش شده است. اگر دوده قبل، اگر در جریانات سوری بودند که با یکدیگر درگیری داشتند، امروز دیگر دعوا بر سر نظام حکومتی در کل کشور نیست. نکته‌که شدن سوریه تنها در تقسیم کشور میان نظام سوریه، کردها و انواع و اقسام گروه‌ها و ائتلاف‌های تروریستی صورت نگرفته است، بلکه عمیق‌تر از آن، کشور میان شاخه‌های گوناگون طرف‌دار نظام، گروه‌های متفاوتی از کردها و تروریست‌ها تقسیم شده است.

کسانی که در جریان بحران سوریه در ۱۴ سال قبل، ۱۰ سال سن داشتند امروز در دهه سسوم زندگی خود بوده و نیروی اصلی جوان این کشور را تشکیل می‌دهند؛ کسانی که بیشتر از هر چیز تحت‌سیطره حکومت‌های محلی بوده‌اند. شاید بسیاری اسد را نشناسند چه اینکه بخواهند از حکومت او انتقاد یا تعریف کنند اما فرسایش هویت ملی، ناگزیر زبان‌های خود را متوجه نظام سیاسی سوریه کرده است.

تفاوت «حکومت‌های محلی» با «حکومت‌های محلی شده»

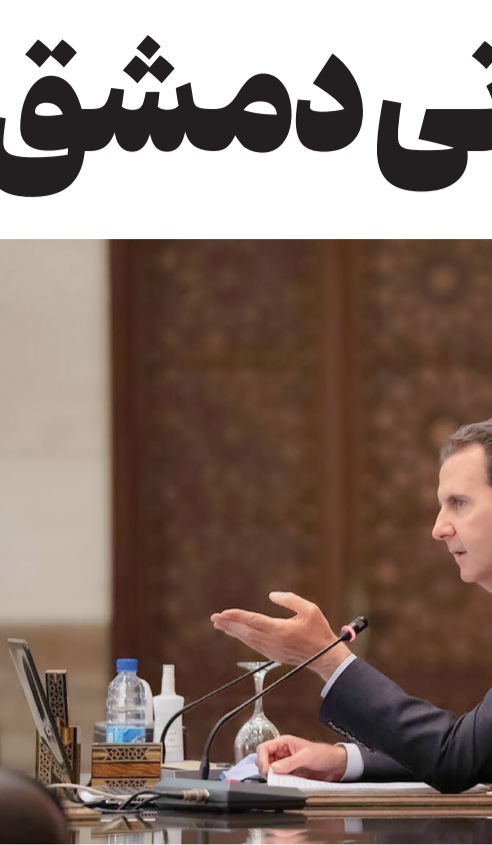
در سسوریه باید میان «حکومت‌های محلی» در معنای سنتی با «حکومت‌های محلی شده» فاصله‌گذاری ایجاد کرد. به‌عنوان مثال، کشوری مانند آلمان از اتحاد حکومت‌های محلی بسیار قدیمی تشکیل شد. آمریکا تا حدودی هند نیز این وضعیت را داشتند. در سسوریه اما حکومت‌های محلی چندان از واقعیت‌های تاریخی ریشه‌نمی‌گیرند، بلکه به معنای دقیق‌تر در سوریه ما با «حکومت‌های محلی شده» مواجهیم. در بازی‌گردونه‌ای در سوریه، هنگامی که گروهی ایستاد، گروه‌های مختلف در هنگام توقف، تک‌های از این کشور را در دستان خود دیدند. در جایی هم که کسی متولی آن نشد، شیخ یا شیوخ قبیله‌ای درصدد یافتن یک گروه عمده‌تر برای زیرمجموعه شدن، برآمدند.

اگر در کشوری با حکومت‌های محلی می‌توان ثبات و خط و ربطی یافت، در کشوری با «حکومت‌های محلی شده» میزان سیالیت و سردرگمی بالاست. نتیجه این سیالیت، بی تفاوتی بسیاری از ساکنان جوان سوریه است. تروریست‌ها نیز بیشتر از توان‌رزمی تروریست‌های قدیمی وسن و سال‌دار ساکن شده در ادلب بهره می‌گیرند؛ منطقه‌ای که دوره از حکومت‌داری گروه‌های تروریستی را تجربه کرده است. این سیالیت نشان می‌دهد اگر در بحران ۲۰۱۱ می‌شد سهمی برای دولت و نیروهای داخلی سوریه برای مدیریت جنگ حساب کرد، امروز نمی‌توان همان امید را داشت. راهکار اصلی در سوریه، اعزام نیروهای تازه نفس از خارج سوریه به آن است؛ همانگونه که تروریست‌ها و حامیان‌شان عمل کرده‌اند.

پرو رنگ شدن هویت‌های فرومی

هنگامی که بحران سوریه آغاز شد، اوج گرفت و فرونشست، دروزی‌ها در جنوب عمدتاً سکت بودند. با این‌حال آن‌ها مهاجست در زمان آرامش این کشور برای

راهکارهایی برای حفظ سوریه



شورش آماده شده‌اند. آن‌ها در جریان بحران ۲۰۱۱ به‌عنوان گروهی سوری سکوت پیشه کرده و وارد دعوی‌ا کشورشان نشدند اما این بحران با فرسایش مفهوم ملیت، باعث پررنگ‌تر شدن هویت‌های فروملی شد. در نتیجه امروز دروزی‌ها فکر نمی‌کنند که باید در دعوی‌ا کشورشان سکوت کنند، بلکه به دلیل دروزی‌تر شدن، درصدد بهره‌گیری از اوضاع بر خواهند آمد.

همه دعوا ایدئولوژیک نیست، حتی برای ایدئولوژیک‌ها

گروه‌های وابسته به اخران المسلمین در شامات به‌ویژه در فلسطین و لبنان گرایش‌های شدید ضدصهیونیستی دارند اما با وجود ضدیت نظام سوریه با رژیم‌صهیونیستی از رویاری با دهمشق در اوج تنش‌های جهان اسلام با تل آویو ایایی ندارند. این مسئله نشان می‌دهد اخران المسلمین همانند هرگروه دیگری هم‌زمان با پیگیری آرمان‌های اسلامی و اخروی درصدد سهم گرفتن از حکومت‌ها و مواهب دنیوی هم هست. این مسئله را می‌توان از سکوت‌نگاه‌های برخی رهبرانش در ترکیه و قطر دریافت. آنکارا و دوحه دست‌درمست‌تل آویو هم می‌گذراند اما به دلیل اندکی همراهی با اخران و البته اهدای مالیغی پول، ابزار قدرت و مزایای دیگر، همراهی اخوانی‌ها را به دست آورده‌اند. مثل اخوان، مثل برخی احادیث است؛ اگر در حدیثی آمده «اگر فقر به خانه‌ای وارد شود ایمان از ان خانه می‌رود» درخصوص اخوان می‌توان گفت «اگر کسی به اخوان مزیت دنیوی نرساند، این گروه از پنجره آخرتی و اسلامی خود خارج می‌شود.» اخوان البته تنها گروه در این زمینه نیست. نباید مقاومت شش‌شاخه نظامی حماس در غزه را به پای اخوان گذاشت؛ چه اینکه هم شش‌شاخه نظامی بر خلاف شاخه سیاسی حماس اخوانی است و نه آنکه گروه یا جریانی می‌تواند به‌سادگی قضیه فلسطین را در داخل سرزمین‌های اشغالی در ذیل خود شسبک‌بندی کند. نظام سوریه باید در سال‌های گذشته نآی و نبی دست این جریانات می‌داد تا بسطاط توطنه و خیانت در این کشور کوچک‌تر شود. امروز نیز دیر نشده است. اخوانی‌ها اگر حکومت را فراموش کنند قادر به گذشتن از پول نیستند.

مسیر اثرگذاری تحول‌خواهان و هوشمندان کجاست؟

جوامع انسانی با تحول و هوش گره خورده‌اند. سؤال مهم اینجاست که در سوریه مسیر اثرگذاری این عوامل کجاست؟ دانشگاه یا فضای ساختارهای پارلمانی و مشسری باید محلی برای اثرگذاری عوامل هوشمند و تحول‌خواه می‌بودند اما برروندای از این فضاها دیده نمی‌شود. آشکار است که در چنین شرایطی تحول‌خواهان از شدت انزوا به فر‌ها در تحول‌خواهی هرچند دروغ، بهل خواهند گفت.

راهکارهایی برای حفظ سوریه

حفظ سوریه در شرایط کنونی نیاز مند تصمیمات دقیق است. در این کشور اتفاقاتی رخ داده که در دوره قبلی بحران رخ ندادند. در این زمینه نکاتی وجود دارد:

شکست یا عقب‌نشینی؟ چه طرفی مواضع را تخلیه می‌کند؟

متحدان سوریه و دولت این کشور از مدت‌ها قبل به ارتش سوریه هشدارهای لازم درباره حمله تروریست‌ها را داده بودند، با این حال مواضع تقویت نشدند بلکه پس از حمله، با دستوراتی مشکوک بلافاصله عقب‌نشینی‌ها آغاز شد. حلب در بدترین شرایط سوریه، تحت محاصره قرار داشت اما تخلیه نشد اما در برهه کوتنی ارتش سوریه به بهانه آسیب ندیدن شهر، به‌طور کامل حلب را تخلیه کرد. این بهانه نسبت به حماه هم تکرار شد. گفته می‌شود دو ماه قبل روسیه با ارزیابی مواضع و پیش‌بینی نقشه تروریست‌ها، بمباران سنگین ادلب را آغاز کرد اما به اصرار سوریه آن را متوقف ساخت.

در روز گذشته، برگ دیگری از این اتفاق رو شد. در حالی‌که با بمباران سنگین ارتش روسیه و حضور یگان‌های کماندویی این کشور تلاش شد در شش‌ماه پنجشنبه و بامداد جمعه مواضعی در حماه از دستان تروریست‌ها خارج شود تا ضمن محاصره و پاکسازی این شهر، ضد حملات به تروریست‌ها در ششمال سوریه شروع شود. تخلیه بی ملاحظه مواضع ارتش سوریه باعث شکست این تلاش‌ها شد. به نظر می‌رسد عواملی در داخل سوریه، عمدا در حال رقم زدن شکست‌ها هستند.

حمله از سمت عراق تنها راه باقی‌مانده

با سقوط بی‌درپی شهر‌ها در سوریه‌ه فرودگاهی برای اعزام نیروهای محور مقاومت و محلی برای تجمع و سساماندهی آن‌ها وجود نخواهد داشت. تنها امکان مؤثر حمله به تروریست‌ها از سمت عراق و مرز‌های شرقی سوری است تا بتوان مناطق اذست‌رفته در غرب این کشور را آزاد کرد. عراقی‌ها به لحاظ نیرو و تجهیزات مشکلی ندارند اما از نظر پوشش هوایی از ضضع‌هایی رنج می‌برند. در این خصوص بیشتر از اقدامات رژیم‌صهیونیستی تحرکات آمریکا باید مدیریت و کنترل شود. تهدیدسد به اخراج آمریکا از عراق وزیر آتش بردن منافع این کشسور در کویت و دیگر شیخ‌نشین‌های حاشسسه جنوبی خلیج فارس می‌تواند در کنترل رفتارهای واشنگتن مؤثر باشد.

ضرورت باز شدن هم‌زمان دو بال مقاومت

مقاومت لبنان در صورت ورود تروریست‌ها به عمق استراتژیک این گروه در غرب سوریه راهی جز ورود به بحران این کشور ندارد. با این حال در صورت از دست رفتن حمص و تهدید دمشق این کار بسیار دشوار خواهد بود. از این رو هم‌زمان با حمله مقاومت لبنان به تروریست‌ها از سمت غرب ورود نیروهای مقاومت عراقی از شرق ضروری است.

با توجه به آینه‌ناگزیری که در برابر مقاومت لبنان برای ورود به بحران سوریه وجود دارد و از سویی دیگر احتمال حمله مجدد رژیم‌صهیونیستی به این کشور حمله از سمت عراق به تروریست‌ها ضروری است.

رعایت قواعد در مرحله بی تفاوتی و نقطه انتخاب

در داخل سسوریه بی تفاوتی موج می‌زند. این بی تفاوتی خود ناشی از سردرگمی در میان طرف‌های مختلف، زندگی سخت طی دوده اخیر و البته مخاطرات فراوان ناشی از همراهی با یک گروه است که می‌تواند انتقام‌جویی طرف‌های دیگر را به همراه داشته باشد. به نظر می‌رسد در حله بعدی این بی تفاوتی مرحله انتخاب است؛ نقطه‌ای که افراد با همان محاسباتی که به بی تفاوتی وارد شدند، از آن خارج می‌شوند. مردم بی تفاوتی را انتخاب کرده‌اند تا اندکی از فشار‌ها خارج شوند اما همان مردم با مشاهده هرج‌ومرج دائمی و زبانی‌که برای امنیت و آرامش آن‌ها دارد، ناگزیر از انتخاب خواهند شد.

از این رو رفتار نظام‌سوریه و متحدان آن اهمیت فراوانی دارد تا در مرحله انتخاب که شروع شده‌یا تشدید خواهد شد، اوضاع به زیان آن‌ها نشود. سؤال اصلی اینجاست که آیا مرحله انتخاب شروع شده یا در آستانه آن هستیم؟ تصاویری که در روز‌های اخیر در باره استقبال ساکنان شهر‌های سقوط کرده از تروریست‌ها منتشر می‌شوند قابل اتکا نیستند. از یکسو تعداد این افراد اندک بوده و می‌تواند اجیرشدگان به دست تروریست‌ها یا حامیان قدیمی آن‌ها باشند. با این وجود مرحله بی تفاوتی هنوز به‌طور کامل تمام نشده اما احتمال وضعیت در نزدیکی نقطه انتخاب است.

قتل شدن ترکیه

ترکیه بی‌محاباد در حال اجرای طرح آمریکا رژیم‌صهیونیستی در منطقه است. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه ووز گذشته باذوق‌زدگی نسبت به تحولات سوریه گفت: «ادلب، حما، حمص وهدف البته دمشق است. پیشروی مخالفان همچنان ادامه دارد. امیدواریم این حرکت در سوریه بدون حادثه و به سلامت ادامه یابد.» آنکارا بدون آنکه مهار شسود به تاخن ادامه خواهد داد. به نظر می‌رسسد بدون ضربه‌ای مؤثر به این کشور دامتان سوریه کش‌دار شده و زبانی به‌مراتب بزرگ‌تر یا بحرانی شدن روابط ایران یا روسیه با ترکیه، دامن‌گیر این دو کشور می‌شود. اگر ضربه‌شستی محکم به ترکیه نشان داده نشود آنکارا علاوه بر سوریه، عراق، یمن و حتی لبنان را طعمه آرزو‌های خود و البته پادویی برای آمریکا و صهیونسم می‌کند. هدف قرار دادن مراکز حضور نیروهای ارتش ترکیه در داخل سسوریه و عراق از سمت گروه‌های حاضر در این دو کشور تهدید خطوط دریایی آنکارا در دریای مدیترانه و ضربه به شسبکه نفوذ تجارنی آن می‌تواند از سرعت این کشور بکاهد. ضربه به ترکیه باید مدیریت‌شده اما محکم و قابل ادامه در آینده باشد. اگر ایران و روسسه وابستگی‌هایی تجاری به ترکیه دارند این وابستگی‌ها یک‌طرفه نیست تا آنکارا به‌وسیله آن‌ها قدرت تحرک تهران و مسکورا محدود کند، بلکه زیست سالم و صحیح ترکیه نیز به ارتباط اقتصادی با این دو کشور و همچنین استفاده از وزنه آن‌ها در برابر غرب وابسته است. نه کردها و نه علوی‌ها گز به‌های مؤثری برای قتل کردن ترکیه نیستند. آنچه امروز بیشتر از هر چیز اهمیت دارد، ضربه‌به کسب‌وکارهاست؛ جایی که منافع تمام ارکان ترکیه زیر سؤال رفته و دوطرفه بودن وابستگی به سران این کشور اثبات می‌شود.

انداختن رژیم‌صهیونیستی به وسط میدان

رژیم‌صهیونیستی می‌خواهد از بحران سوریه در وهله اول برای تنفس خود در وهله دوم در صورت تاوام، برای تغییر نقشه منطقه استفاده کند. به همین دلیل، پیش از هر چیز باید مجدداً رژیم‌صهیونیستی را به صحنه ضربه دیگری انداخت. اجرای عملیات وعده‌ساق۳ و برنامه‌ریزی برای واکنش‌های زنجیره‌ای در قالب عملیات‌های دیگر علیه رژیم‌صهیونیستی نقش مهمی در این مسیر دارند. اگر ایران بتواند ضربه‌ای مؤثر به توان پادفندی و هوایی رژیم‌صهیونیستی وارد کند، با آسیب‌پذیر شدن سرزمین‌های اشغالی تهدید علیه لبنان کم‌رنگ‌تر شده و مقاومت این کشسور می‌تواند نقشی بزرگ‌تر در بحران سوریه ایفا کند. همچنین ترکیه نیز حساب کار خود را خواهد کرد، زیرا ادامه غرض‌ورزی‌هایش می‌تواند مواضع و منافع این کشور را هم طعمه تهاجم کند.

آگهی مزایده عمومی

شماره ۳۰-۲-۱۴۰۳

دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات در نظر دارد امور مربوط به اجاره محل‌های کتابفروشی خود را از طریق مزایده عمومی به اشخاص واجد شرایط واگذار نماید.

- از اشخاص حقیقی و یا حقوقی دعسوت به عمل می‌آید از تاریخ درج این آگهی به مدت ۱۰ روز کاری به وب سایت دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به آدرس اینترنتی https://srb.iau.ir، قسمت مناقصه/ مزایده یا مستقیماً به لینک https://srb.iau.ir/fa/tenders مراجعه نموده و پس از واریز مبلغ ۱۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال (غیرقابل استرداد) نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند. (تلفن تماس: ۴۴۸۶۷۴۴۴ داخلی ۳۰۰۸)
- تذکر مهم: صرفاً اسناد و مدارک (پاکت‌های الف و ب) اشخاص حقیقی یا حقوقی‌ای پذیرفته می‌شود که از طریق آدرس اینترنتی اشاره شده مبلغ مورد نظر را واریز و اسناد مزایده را دریافت و کد رهگیری یکتا به نام مزایده‌گر صادر شده باشد.
- مهلت دریافت اسناد و همچنین تحویل پاکت‌های اسناد مزایده تا پایان وقت اداری (ساعت: ۱۴:۵۰) روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۸ می‌باشد.
- هزینه درج آگهی در روزنامه‌ها به عهده برنده مزایده می‌باشد.
- مزایده‌گذار در رد یا قبول پیشنهادت دارای اختیار تام می‌باشد.
- تاریخ درج آگهی در روزنامه‌ها روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۰ می‌باشد.

مدرك موقت: آقای حسین زاده اكبر فرزند: جلال دارای شماره شناسنامه ۵ و كدملی: ۰۹۰۱۹۷۰۲۲۰ صادره: كانسمر رشنه: ساختمان –كاره‌اي عمومی ساختمان صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد كانسمر به شماره كواهي موقت ۲۹۸۹۷۵۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از يابنده تقاضا می‌شود كواهينامه مذكور را به آدرس: خراسان رضوی شهرستان كانسمر دانشگاه آزاد اسلامی واحد كانسمر به صندوق پستی ۱۶۱ ارسال نماید.

مدرك موقت: آقای حسین دهقان سانج فرزند عباسعلی دارای شناسنامه ۴۱۹۷ صادره قم رشنه: کارشناسی عمران عمران صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از يابنده تقاضا می‌شود كواهينامه مذكور را به آدرس: استان مرکزی – ساوه – كيلومتر ۴ جاده نورعليپيك – شهرک دانشگاهي خاتم‌الانبیاء(ص) دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به صندوق پستی ۳۹۱۸۷– ۳۶۶ ارسال نماید.

مدرك موقت: آقای حسین زاده اكبر فرزند: جلال دارای شماره شناسنامه ۵ و كدملی: ۰۹۰۱۹۷۰۲۲۰ صادره: كانسمر رشنه: ساختمان –كاره‌اي عمومی ساختمان صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد كانسمر به شماره كواهي موقت ۲۹۸۹۷۵۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از يابنده تقاضا می‌شود كواهينامه مذكور را به آدرس: خراسان رضوی شهرستان كانسمر دانشگاه آزاد اسلامی واحد كانسمر به صندوق پستی ۱۶۱ ارسال نماید.

مزایده شماره مرجع ۱۴۰۳/۰۴

بانك ملی ایران در نظر دارد حدود ۳۰ تن اسنادو كاغذ‌هاي بلااستفاده و امحائی خود را از طريق سامانه تداركات الكترونيكي دولت (ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR مزایده

← مزایده دستگاه‌های اجرایی

← مزایده كر (تحت شماره ۰۵۰۰۰۰۰۰۲۰۰۱۱۰۳۰۰ اموال منقول

مزایده) به شرح زیر به فروش برسانند:

- ۱- زمان انتشار در سامانه: ۱۴۰۳/۰۹/۱۷
- ۲- مهلت دریافت اسناد: تا ۱۴۰۳/۰۹/۲۰
- ۳- مهلت ارسال پیشنهاد: تا ۱۴۰۳/۱۰/۱۶
- ۴- زمان بازگشایی: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴

شماره شناسنامه ۵۸۳۸۹۰ شماره م. الف۳۱۳۸

کانون تبلیغاتی **سیهر جوان**
۰۹۳۹۸۸۸۸۸۶۹۹